گفت‌وگو

جواد محرمی

گفت‌وگوی «جوان» با مرضیه محمدزاده، نویسنده کتاب «فاطمه(س) شکوه جمال الهی»

مدیریت فاطمه(س) در برابر سیر پرحجم حوادث حیرت‌انگیز است

درک شرایط و موقعیت هر دوره تاریخی نیاز به تعمق و تأمل در جزئیات دارد و پژوهش‌های تاریخی می‌تواند دریچه‌های جدیدی از حقایق را به روی مخاطبان باز کند. پیامبر اسلام(ص) در مدت ۲۳سال توانست جامعه‌ای را که دورانی مدید درگیر مناسبات و ساختارهای جاهلی بود، دستخوش تغییرات بنیادین کند. ایشان در این مدت اندیشه خود را عرضه کرد، کتاب الهی را به مردم معرفی کرد و تا اندازه زیادی توانست اندیشه‌هایش را در جامعه محقق کند. این موفقیت در جامعه‌ای با آن شرایط، دستاوردی بزرگ بود و حضرت فاطمه(س) کسی بود که گام‌به‌گام در کنار پیامبر(ص) حضور داشت. رونمایی از کتابی فاطمه(س)، شکوه جمال الهی بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با مرضیه محمدزاده، نویسنده این اثر پیرامون این موضوع که فاطمه زهرا(س) چگونه در مدتی کوتاه در برابر کوران حوادثی که پی‌درپی هجوم می‌آوردند ایستادگی کرده و به نوعی مدیریت فاطمی را رقم زدند.



درباره شخصیت و زندگی حضرت فاطمه(س) کتاب‌های زیادی نوشته‌اند اما عظمت ایشان به گونه‌ای است که امت اسلام را همواره به اندیشه و پژوهش درباره ابعاد مختلف شخصیت وی نیازمند می‌کند. شما از چه منظری به این شخصیت پرداخته‌اید؟

معتقدم مدیریت فاطمه(س) در برابر سیر پرحجم حوادث حیرت‌انگیز است. در این کتاب سعی کردم حاصل بخشی از مطالعات و پژوهش‌هایم درباره زنی را در معرض نگاه و داوری قرار دهم که شناخت او تنها شناخت یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه چالشی برای فهم بخشی مهم از تاریخ اسلام، جایگاه زن در اندیشه اسلامی و نسبت معنویت با مسئولیت اجتماعی است.

عنوان یک کتاب می‌تواند اولین و بهترین پل ارتباطی مخاطب باشد. عنوان کتاب شما فاطمه(س)، شکوه جمال الهی است. لطفاً درباره وجه تسمیه کتاب قدری توضیح دهید.

انتخاب این عنوان از آن روست که معتقدم وجود فاطمه(س) تجلی پیوندی عمیق میان فضیلت‌های انسانی، کمال معنوی، خردورزی، مسئولیت‌پذیری و زیبایی روح است. در شخصیت ایشان، جمال و جلال، عاطفه و عقلانیت، عبادت و معنویت، مسئولیت و حضور در عرصه زندگی اجتماعی به زیباترین شکل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

پرسش اصلی شما در این کتاب که سعی کردید به آن پاسخ بدهید دقیقاً چیست؟

اینکه ما فاطمه(س) را چگونه شناخته‌ایم و چگونه باید بشناسیم؟ یکی از آسیب‌های مطالعات مربوط به شخصیت‌های بزرگ تاریخی، غلبه روایت عاطفی و گاه غیرمستند بر پژوهش‌های تاریخی و تحلیلی است. بی‌تردید محبت و ارادت به اهل بیت(ع) سرمایه‌ای ارزشمند در فرهنگ اسلامی و شیعی است؛ اما محبت نباید جایگزین شناخت شود و ارادت نباید ما را از ضرورت بررسی منابع، ارزیابی گزارش‌ها و تمایز میان واقعیت تاریخی و برداشت‌های متأخر بازدارد. از همین منظر از اهداف اصلی من در نگارش این کتاب، بازخوانی زندگانی فاطمه(س) با رویکردی تاریخی و پژوهشی و تلاش برای فاصله گرفتن از تحریفات، گزارش‌های فاقد پشتوانه کافی و برداشت هایی بوده است که گاه در گذر زمان به چهره تاریخی ایشان افزوده شده‌اند. شخصیت فاطمه(س) آنقدر بزرگ و برخوردار از ابعاد گوناگون است که برای معرفی ایشان نیازی به افزودن مطالب غیرمستند نداریم. حقیقت تاریخی وجود ایشان، به تنهایی از چنان شکوهی برخوردار است که اگر درست روایت شود، می‌تواند نسل امروز را با عظمت اندیشه و منش آن حضرت آشنا سازد.

در این پژوهش تلاش کرده‌ام زندگی فاطمه(س) را در بستر واقعی تاریخ و در دو دوره مهم حیات پیامبراکرم(ص) و دوران پس از رحلت آن حضرت با سه محور بررسی کنم: بازخوانی مستند تاریخ به دور از تحریف، کنشگری اجتماعی و سیاسی حضرت در دو دوره و جایگاه خطبه فاطمی معروف به فدکیه به عنوان یک متن جامع اعتقادی، حقوقی و سیاسی. در دوره نخست، فاطمه(س) نه تنها شاهد شکل‌گیری و گسترش اسلام بود، بلکه در متن دشواری‌ها و تحولات، زندگی کرد و درک عمیقی از رسالت پیامبر(ص) و تحولات پیرامون آن داشت. در دوره دوم که دوره‌ای بسیار حساس و سرنوشت ساز است برخلاف تصویری که گاه از ایشان به عنوان شخصیتی صرفاً سوگوار و منزوی ارائه می‌شود، در متن حوادث حضور یافته و مواضع خود را با صراحت و استدلال بیان فرمودند. از مهم‌ترین این حوادث، مسئله فدک و مناقشه بر سر مالکیت و تصرف آن بود. آنچه در سخنان و استدلال‌های ایشان دیده می‌شود، دفاع از حق، عدالت، قانونمندی و یادآوری اصول و مبانی حکومت اسلامی است. فاطمه(س) در برابر حاکمیت وقت قرار گرفت و با بیانی استوار، منسجم و سرشار از استدلال، ابتدا به تبیین مبانی اعتقادی اسلام و فلسفه احکام پرداخت و سپس مسئله حقوقی و سیاسی مورد نظر خود را مطرح کرد. محک فاطمی بودن، حق طلب بودن است. سیاست فاطمی، سیاست ضد خشونت و روشنگری و فرهنگ‌سازی است. هرچند این فرهنگ در کوتاه مدت اثر چندانی نداشته باشد ولی در طول تاریخ اثرگذار و پایدار مانده و خواهد ماند. فرهنگ فاطمی نشان داده است دفاع از حق با احضار خلیفه مسلمین و با حضور مردم و با سخنان منطقی و با استدلال حقوقی یک حق مسلم است و می‌توان در فضای آرامش، روشنگری و آگاه‌سازی کرد و برای همیشه در تاریخ ثابت کرد که یک «زن» می‌تواند در جمع عظیمی از مردم و دولتمردان و خلیفه و حاکم حاضر شود و با حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی حق را اظهار سازد و ملاک ارزش‌های انسانی زیستن و آزاده بودن را به آیندگان بیاموزد. فاطمه(س) آموخت که برپا داشتن عدل و حق و آزادی، صرفاً نیازمند خشونت نیست. کاری که سخن استدلالی و زبان منطقی و صبر و علم و حلم فاطمی انجام می‌دهد هرگز به وسیله خشونت نمی‌تواند آنگونه کارساز و نتیجه بخش باشد.

در نوشتن کتاب از چه منابعی استفاده کردید؟

منابعی که من استفاده کردم منابع دست اول تاریخ اسلام است. کتاب‌هایی که استفاده کردم تاریخ طبری، یعقوبی، ابن اسیر، ابن کثیر، ارشاد شیخ مفید و کتاب‌های قرون اولیه همیشه مدنظر من بوده است. البته نگاهی به کتاب‌های جدید هم دارم مثلاً کتاب دکتر سیدجعفر شهیدی و مورخینی که در مورد حضرت زهرا(س) کتاب نوشته باشند ولی اصل رجوع من به کتاب‌های قرون اولیه است. در کتاب کلینی که آنهم یک مطلبی در مورد حضرت زهرا(س) دارد و ایشان در آن کتاب می‌نویسد که این زهراست که گریبان خلیفه دوم را می‌گیرد و می‌کشاند و می‌گوید که پسر خطاب اگر نگران امت پدرم نبودم نفرین می‌کردم و خداوند را هم سریع‌العجابه می‌دیم.

خشونتی که در دوره پس از فوت پیامبر اسلام(ص) درباره خانواده ایشان رخ داد حیرت‌آور است و برخورد حضرت فاطمه(س) به عنوان یک زن در برابر این حجم از خشونت درس‌آموز است. در اینباره چه فکر می‌کنید؟

اسلام اساساً دین ضد خشونت است. اسلام با شمشیر پیروز نشد. رسول‌الله(ص) همه تلاشش را به کار می‌برد که جنگ صورت نگیرد. تمامی جنگ‌ها بر امت ایشان تحمیل شد. در احد به مدینه حمله کردند و رسول‌الله دفاع کرد. دوره امیرالمؤمنین هم همینجور بود. سه تا جنگ بر حضرت تحمیل شد. حضرت علی می‌خواست کارها با صلح انجام بگیرد و تمام تلاشش بر این مبنا بود در عاشورا امام حسین(ع) نمی‌خواست بجنگد و جنگ بر ایشان تحمیل شد و او دفاع کرد و هنگامی که دفاع کردند جانانه دفاع کردند. علی جانانه دفاع می‌کرد. حضرت زهرا هم دفاع کردند از حق و حقیقت. او تکلیف خود را می‌دانست که باید با کلامش و با حرف‌هایش جامعه را قانع کند و تاریخ نشان داد که حرف‌های حضرت زهرا(س) تمام درست بود و با منطق و دلیلش و با استدلال، با کلام خدا خلیفه مسلمانان را محکوم کرد ولو اینکه به حقش نرسید اما واقعاً توانست محکوم کند و همه هم این را فهمیدند. شما کتاب‌های اهل‌سنت را هم که استفاده می‌کنید همه اذعان دارند که حق با فاطمه(س) بود. من یک کتاب نوشتم به نام محمد(ره) و آنجا توضیح دادم که تمامی جنگ‌ها بر پیامبر تحمیل شد و اصلاً دین ما دین صلح و آرامش است.

سخنان حضرت فاطمه(س) را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. خطبه معروف و مهم فدکیه جنبه‌های مختلف دارد که وقتی می‌خوانید حیرت‌آور است. فکر می‌کنید این خطبه چه ابعادی را دربرمی‌گیرد؟

معتقدم خطبه فدکیه؛ متنی اعتقادی، حقوقی، سیاسی و ادبی است. سخنان حضرت فاطمه(س) را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. این سخنان از نظر کلامی، تبیین‌کننده اصول توحید و نبوت است؛ از نظر حقوقی، متضمن استدلال درباره حق و میراث است؛ از نظر سیاسی، موضع ایشان را در برابر تحولات پس از رحلت رسول‌الله(ص) و مسائل مربوط به رهبری جامعه نشان می‌دهد و از نظر ادبی نیز نمونه‌ای برجسته از فصاحت و بلاغت در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. خطبه فدکیه صرفاً یک سخنرانی برای مطالبه فدک نیست، بلکه سندی مهم برای شناخت اندیشه، قدرت استدلال، آگاهی سیاسی و جایگاه اجتماعی حضرت فاطمه(س) است. این خطبه متنی جامع است که می‌توان ابعاد اعتقادی، حقوقی و سیاسی آن را به‌صورت مستقل و در ارتباط با یکدیگر بررسی کرد.

از اهداف اصلی من در نگارش این کتاب، بازخوانی زندگانی فاطمه(س) با رویکردی تاریخی و پژوهشی و تلاش برای فاصله گرفتن از تحریفات، گزارش‌های فاقد پشتوانه کافی و برداشت هایی بوده است که گاه در گذر زمان به چهره تاریخی ایشان افزوده شده‌اند. شخصیت فاطمه(س) آنقدر بزرگ و برخوردار از ابعاد گوناگون است که برای معرفی ایشان نیازی به افزودن مطالب غیرمستند نداریم. حقیقت تاریخی وجود ایشان، به تنهایی از چنان شکوهی برخوردار است که اگر درست روایت شود، می‌تواند نسل امروز را با عظمت اندیشه و منش آن حضرت آشنا سازد



بخش قابل توجهی از شخصیت دختر رسول مکرم اسلام(ص) بعد اجتماعی آن است. شخصیتی که ایشان را فراتر از چارچوب زندگی خانوادگی می‌برد. وجوه اجتماعی زندگی ایشان را چگونه در این کتاب تبیین کردید؟

فکر می‌کنم باید به ابعاد متنوع شخصیت حضرت فاطمه(س) توجه کرد. در بسیاری از روایت‌های رایج، شخصیت ایشان بیشتر در چارچوب زندگی خانوادگی، فضایل اخلاقی، عبادت و مصائب پس از رحلت پیامبر(ص) معرفی می‌شود. اما ابعادی هم هستند که مهم و تاریخی و اجتماعی‌اند و به‌هیچ‌وجه قابل انکار نیستند، اما محدودکردن شخصیت حضرت به این حوزه‌ها به معنای نادیده‌گرفتن بخش مهمی از هویت سیاسی، تاریخی و اجتماعی ایشان است. جلوه‌های مختلف مسئولیت‌پذیری حضرت فاطمه(س) اهمیت زیادی دارد. ایشان در عرصه اجتماعی شخصیتی مسئولیت‌پذیر و برخوردار از حساسیت نسبت به سرنوشت جامعه بودند. توجه به محرومان، انفاق، حمایت از نیازمندان و حضور مؤثر در مناسبات اجتماعی بخشی از جلوه‌های این مسئولیت‌پذیری است. در عرصه فرهنگی و معرفتی نیز حضرت فاطمه(س) شخصیتی صاحب دانش، اندیشه و بیان بودند. در عرصه سیاسی نیز منفعل و حاشیه‌نشین نبودند. مواضع ایشان پس از رحلت رسول‌الله(ص)، دفاع از جایگاه اهل‌بیت(ع) و واکنش به تحولات مربوط به رهبری جامعه اسلامی، نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از شرایط سیاسی و ضرورت دفاع از حق و عدالت است.

فکر می‌کنید در کتاب‌تان چقدر از این منظر که شخصیت زهرای اطهر(س) الگویی برای همه انسان‌هاست نه فقط زنان به موضوع نگاه کرده‌اید؟

حضرت فاطمه(س) را نمی‌توان تنها به‌عنوان الگویی برای زنان در حوزه همسرداری و مادری معرفی کرد و به این مسئله محدود کرد هرچند در این عرصه‌ها نیز جایگاهی ممتاز دارند. ایشان الگویی برای انسان مسلمان، اعم از زن و مرد، در زمینه استقلال فکری، مسئولیت اخلاقی، دفاع از حقیقت، عدالت‌خواهی، آگاهی اجتماعی و حفظ کرامت انسانی هستند. زندگی حضرت فاطمه(س) نمونه مهمی از حضور آگاهانه زن در عرصه عمومی و سیاسی جامعه اسلامی است. توجه به این جنبه از زندگی ایشان کمک می‌کند تا تصویر جامع‌تری از جایگاه زن در تاریخ اسلام داشته باشیم و نقش او را در تحولات اجتماعی و سیاسی، در کنار نقش‌های خانوادگی و اخلاقی، به‌درستی بشناسیم.

اهمیت پژوهش تاریخی در فهم شخصیت افراد مهم و تأثیرگذار تاریخ را چقدر می‌دانید؟

مسئولیت تاریخ‌پژوهان در بررسی شخصیت‌های دینی و تاریخی بسیار مهم است. تاریخ‌پژوهی تنها نقل رویدادها نیست، بلکه فهم زمینه‌ها، تحلیل مناسبات و سنجش اعتبار گزارش‌ها نیز بخشی از مسئولیت مورخ است. البته باید تأکید کنم، پژوهش تاریخی درباره شخصیت‌های مقدس به معنای کاستن از قداست آنان نیست. اتفاقاً معتقدم هرچه شناخت ما مستندتر، عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، زمینه ارادت آگاهانه‌تر و پایدارتر فراهم خواهد شد. میان ایمان و پژوهش تعارضی وجود ندارد؛ آنچه می‌تواند به هر دو آسیب برساند، تعصب بی‌پشتوانه و بی‌اعتنایی به حقیقت است. از سوی دیگر معتقدم شناخت حضرت فاطمه(س) نباید به روایت‌های عاطفی و غیرمستند محدود شود.

به نظر می‌رسد ضرورت پرداختن به زندگی حضرت فاطمه(س) در جامعه امروز ما بیش از همیشه اهمیت دارد اما این ضرورت هنوز در جامعه درک نشده است. نظر شما چیست؟

جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگری به الگوهایی نیاز دارد که بتوانند میان اخلاق و قدرت، معنویت و مسئولیت، خانواده و جامعه و ایمان و عقلانیت پیوند برقرار کنند. از این رو، مطالعه زندگی حضرت فاطمه(س) صرفاً بازگشت به گذشته نیست، بلکه تلاشی برای یافتن پاسخ به پرسش‌های امروز ما درباره کرامت زن، عدالت اجتماعی، مسئولیت شهروندی، اخلاق سیاسی و نقش آگاهی در ساختن جامعه‌ای انسانی‌تر است. شناخت این شخصیت می‌تواند به ما کمک کند تا نسبت میان ایمان، مسئولیت اجتماعی، عدالت‌خواهی و حضور آگاهانه در جامعه را بهتر درک کنیم. این کتاب پایان پژوهش درباره حضرت فاطمه(س) نیست. من کتاب خود را گامی در مسیر بازخوانی علمی و تاریخی شخصیت حضرت فاطمه(س) می‌دانم، این کتاب ادعای پایان‌دادن به پژوهش درباره شخصیت ایشان را ندارد. طبیعتاً هیچ پژوهشی از نقد و بررسی بی‌نیاز نیست و من نیز از دیدگاه‌ها، نقدهای علمی و پیشنهادهای پژوهشگران استقبال می‌کنم زیرا باور دارم حقیقت تاریخی در فضای گفت‌وگوی علمی و نقد منصفانه بهتر آشکار می‌شود. امیدوارم این اثر بتواند سهمی هرچند کوچک در معرفی چهره‌ای جامع‌تر، مستندتر و عمیق‌تر از حضرت فاطمه(س) داشته باشد. ایشان تنها شخصیتی برای ستایش در حافظه تاریخی ما نیستند، بلکه حقیقتی زنده برای اندیشیدن، الگویی برای زیستن و معیاری برای سنجش نسبت انسان با حقیقت، عدالت و کرامت‌اند. امیدوارم در شناخت فرهنگ فاطمی بیش از گذشته توفیق داشته باشیم.

یادداشت

کوروش زارعی و آن سکانس طلایی یوسف پیامبر

از مرحوم کوروش زارعی یک سکانس فوق‌العاده از سریال یوسف پیامبر را به خاطر می‌آورم. پیش از تشریح آن سکانس باید ذکر کنم، در پخش اول خیلی پیگیر سریال یوسف پیامبر نبودم و در سال‌های اخیر که پخش آن در شبکه آی فیلم انجام می‌شد سعی کردم بیشتر قسمت‌های آن را ببینم. دلیل ندیدن در پخش اول این بود که اساساً برای تماشای آثار نمایشی خیلی و شاید هم زیادی آدم سختگیری هستم.

راستش دیالوگ‌های سریال را دوست نداشتم اما در دل همیشه همت و خلوص سلحشور را تحسین می‌کردم و می‌دانستم خداوند به خاطر همین به آثار او برکت می‌دهد.

همواره نسبت به آثار پر بیننده نمایشی نگاه ویژه‌ای داشته‌ام و معتقدم یک اثر نمایشی حتماً باید چیزی داشته باشد که خیل عظیم تماشاگر را با خود همراه کند و می‌دانستم راز پربیننده بودن سریال یوسف پیامبر یکی عزم و اراده و خلوص مرحوم سلحشور و دیگری احسن‌القصص بودن داستان قرآنی آن است. با اینحال با تماشای سریال در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیدم که این اثر قابلیت‌های نمایشی خاصی هم دارد که امضای مرحوم سلحشور پای آن است.

یکی از آنها سکانس مواجهه یوسف با برادرانش و بخشش آنها در دربار عزیز مصر است که حضور مرحوم کوروش زارعی آنرا در ذهن من ماندگار کرد. تقریباً هیچ سکانس یا صحنه‌ای از این سریال به این اندازه من را به عنوان یک مخاطب درگیر نکرد. سکانسی که از حیث طولانی بودن و جزئیات دارای اهمیت است و مرحوم سلحشور به شدت آن را خوب از کار درآورده است.

در تاریخ سینما سکانس‌هایی از این دست در برخی آثار مهم تاریخ سینما وجود دارد که تأثیر و ماندگاری آن روی ذهن مخاطب غیرقابل انکار است. برای مثال سکانسی که دان ویتو (مارلون براندو) به پسرخوانده‌اش (ال مارتینو) درباره هنرنمایی در یک فیلم سینمایی می‌گوید: «پیشنهادی که نمی‌تونی رد کنی.»؛ می‌تواند مشهورترین سکانس فیلم پدرخوانده ۱ باشد یا سکانس پایانی فیلم پاپیون جایی که هنری پس از فرار از زندان، بر فراز اقیانوس فریاد می‌کشد: «من هنوز زنده‌ام لعنتی‌ها» در ذهن هر تماشاگر این فیلم حک می‌شود.

مرحوم کوروش زارعی نیز در سکانس بخشش برادران از سوی یوسف پرفروغ ظاهر شد. انگار همه چیز مهیاست تا او بهترین نقش‌اش در یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های تاریخ ایران را ایفا کند و نتیجه بسیار موفقیت آمیز و چشمگیر از کار درآمد. عجیب و البته جالب است که سطح دیالوگ‌ها در این سکانس نیز مقداری تقویت شده است. حال با ما چه خواهی کرد؟ برادر با برادر چه می‌کند؟ ما هم با تو برادر بودیم اما با تو چه کردیم یوسف؟ من گذشته را فراموش کردم و همان درون چاه شما را بخشیدم، اما من نمی‌خواهم بخشیده شوم، ما در حق تو ستم کردیم یوسف این بخشش تو ما را می‌کشد، این بخشش بزرگ‌ترین مجازاتی است که می‌توانی برای ما در نظر بگیری، این بخشش برای من از هر مجازاتی سنگین‌تر است. حضور در یک نقش مهم در اثری مهم چیزی نیست که رزق هر هنرمندی شود و مرحوم زارعی این شانس را داشت که این رزق احتمالاً لایحتسب نصیبش شود.

شاید برای او همان یک نقش در کل عمر هنری‌اش کافی بود. سریالی که مرزهای ایران را درنوردید و بسیاری از ملت‌های مسلمان مخاطب آن شدند و در این مورد هیچ اثر دیگری به گرد پایش هم نرسید.

جواد محرمی

